

بررسی قوانین حقوقی مرتبط با زنان زرتشتی در قرون نخستین هجری با تکیه بر متن روایت پهلوی

سهیلا کامجو^۱

زهرا حامدی^۲

الهام ملک زاده^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۹

چکیده

روایت پهلوی متنی به زبان فارسی میانه است که اطلاعات نسبتاً گسترده‌ای از تفسیرهای دینی، و مباحث حقوقی، اجتماعی و آیینی دین زرتشتی در آن بیان شده است. هویت نویسنده و تاریخ دقیق تالیف متن مشخص نیست اما با توجه به محتوا و ویژگی‌های خاص متن به احتمال قریب به یقین این تحریر در قرون نخستین هجری با هدف تبیین و حفاظت از آموزه‌های دین زرتشتی تالیف شده است. جستار حاضر بر اساس روش توصیفی تحلیلی بر آنست تا وضعیت زنان را در این متن پهلوی مورد واکاوی قرار دهد و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که وضعیت حقوقی زنان زرتشتی در قرون نخستین اسلامی به استناد متن روایت پهلوی چگونه بوده است؟ بررسی‌ها بیانگر اینست که دستاوردها و استقلال حقوقی زنان عصر ساسانی همچنان اعتبارش را در بین زنان زرتشتی در قرون نخستین هجری حفظ نموده و در چارچوب معطوف به زندگی خانوادگی زنان حاضر به پذیرش محدودیت و تبعیت محض از شوهران خویش نبودند یافته‌های پژوهش بیانگر آنست که نویسنده متن برای ملزم نمودن زنان به تبعیت از کدخدای خانه با لحنی نسبتاً تند در قالب فتوایی دینی فقهی وظایفی را به زنان متذکر شده است.

کلید واژه‌ها: زنان زرتشتی، قوانین حقوقی، روایت پهلوی، قرون نخستین هجری.

^۱ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، واحد داراب، دانشگاه آزاد اسلامی، داراب، ایران. soheilakamjoo@gmail.com

^۲ - استادیار گروه تاریخ، واحد داراب، دانشگاه آزاد اسلامی، داراب، ایران. (نویسنده مسئول) z_hamed2003@yahoo.com

^۳ - استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. Malekzadeh.elham092@gmail.com

مقدمه

سقوط ساسانیان و شرایط خاص قرون نخستین هجری از جمله قوت یافتن دین اسلام و در خطر فراموشی قرار گرفتن آیین زرتشتی، موبدان را به چاره اندیشی واداشت. در این راستا رهبران زرتشتی برای تجدید حیات آیین زرتشتی به تالیف و بازنویسی متون فقهی و دینی همت گماشتند. بنابراین نگارش کتاب‌هایی به زبان فارسی میانه در قرون نخستین اسلامی ادامه یافت که دارای ارزش و اعتبار فراوانی ست و مطالب ارزنده‌ای از دوران باستان بازنویسی و تالیف شدند. (قادری، ۱۳۹۷: ۱۰۷). روایت پهلوی متنی به زبان پهلوی ساسانی ست که مطالب گوناگون مذهبی، اجتماعی، آیینی و این متن در دستنویس‌ها به طور معمول با دادستان دینی همراه بوده و دارای شصت و پنج فصل و پرسش و پاسخ‌هایی در زمینه‌های دینی ست (شفلید و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷). به نوعی می‌توان متن را حقوقی نیز دانست. (ماتسوخ، ۱۳۹۳: ۲۲۳) زیرا ساختار خانواده و تکلیف و عملکرد اعضای آن در کتاب بیان شده است که با واکاوی مطالب مندرج در متن می‌توان به شرح وظایف و شرایط حقوقی افراد در اجتماع آن عصر پی برد. هویت نویسنده و انگیزه نگارش کتاب روشن نیست بر مبنای آگاهی‌های موجود در متن گویا نویسنده از رده موبدان بوده زیرا اطلاعات گسترده و جامعی از تفسیرهای دینی و روایات و تفاسیر سنتی داشته است به این معنا که تنها یک موبد آگاه به امور دینی می‌تواند به نگارش چنین کتابی بپردازد تاریخ دقیق نگارش کتاب نیز مشخص نیست اما به چند دلیل می‌توان فرض را بر این گذاشت که کتاب در سده‌های نخستین هجری تالیف شده است که مهم‌ترین آن که می‌تواند بیانگر نگارش کتاب بعد از ورود اسلام و در زمان قوت دین اسلام باشد تاکید نویسنده بر رسم خویدوده (ازدواج با نزدیکان) و احیاء این سنت است از سوی دیگر اهتمام و تاکید نویسنده بر لزوم، انجام و رعایت مناسک و آیین‌های دینی ست. همچنین نویسنده متن را با عبارت (به نام ایزد دادگر) که عنوانی متاخر است آغاز نموده است (روایت پهلوی، همان، ۹-۸). مجموع این موارد می‌تواند سندی بر نگارش کتاب در قرون نخستین اسلامی باشد و به طور قطع نویسنده دسترسی و آگاهی کاملی از متون پهلوی تالیف شده در دوره ساسانی و متون زرتشتی داشته است زیرا به لحاظ شیوه نگارش کتاب روایت پهلوی شباهت‌هایی با متونی مانند بندهش، مینوی خرد، و کارنامه اردشیر بابکان دارد. به لحاظ محتوایی می‌توان کتاب را به چند بخش تقسیم‌بندی نمود: نخست مطالب دینی و آیینی ست و پشتکار و علاقه فوق‌العاده نویسنده بر پاسداشت آیین‌های زرتشتی از جمله ازدواج خویدوده را می‌رساند و به نظر می‌رسد این آیین زودتر از دیگر آیین‌های دینی زرتشتی متروک شده باشد. مطالب اجتماعی که حاوی

بیان چارچوب‌های رفتاری اعضای خانواده مانند وظایف زن و مرد در قبال یکدیگر و یا فرزندان نسبت به پدر و مادر است قسمت دیگری از متن نیز به پندارها و باورهای عامیانه پرداخته و اسطوره‌ها که گنجینه‌های عظیمی از دیدگاه اسطوره‌شناسی هستند طیف وسیعی از محتوای کتاب را در قالب آغاز و پایان جهان تشکیل داده‌اند که به رغم شباهت مباحث آفرینش به متون بندهش و گزیده‌های زادسپرم نکات برجسته‌تری در این متن در مبحث یاد شده وجود دارد. مطالب اخلاقی و اندرزی طرح شده در کتاب مانند گرایش به راستی نیز با کتاب دینکرد قابل مقایسه است (همان، ۱۲-۹). از سوی دیگر این کتاب به دلیل در بر داشتن مسایلی که جامعه زرتشتی در قرون نخستین اسلامی با آن روبرو بودند مانند اجرای احکام و آیین‌های دینی که به آن اشاره شد حائز اهمیت است (مزدایور، ۱۳۹۴: ۹۰). بنابراین ورای همگونی نسبی محتوای کتاب با سایر متون پهلوی می‌توان هدف بنیادین نویسنده کتاب را دریافت که در پی ایجاد ارتباط بین شالوده نظام دینی زرتشتی و نسل جدید جامعه زرتشتی در قرون اولیه هجری بوده است. چنین به نظر می‌رسد که نویسنده با هدف تبیین و حفاظت از آموزه‌های دینی زرتشتی از راه‌های متنوعی همچون پند و اندرز و بیان قواعد رفتار خانوادگی در اجتماع بهره برده است. مساله این پژوهش بررسی قوانین و فتوای دینی حقوقی مرتبط با زنان زرتشتی در قرون نخستین هجری است یافتن پاسخی برای این سوال که چه عواملی بر صدور احکام و قوانین مربوط به زنان در متن روایت پهلوی تاثیرگذار بوده است؟ فرضیه مورد نظر آنست که مندرجات متن به طور قابل توجهی نشأت گرفته از شرایط اجتماعی و خانوادگی زنان زرتشتی در زمان تالیف متن بوده است و اهتمام نویسنده برای ملزم نمودن زنان به اطاعت از شوهر گویای تضعیف و عدم پذیرش این رویه از سوی زنان بوده است زیرا دستاوردهای حقوقی زنان در اواخر دوره ساسانی همچون تشریک مساعی زن و مرد در اداره امور منزل و مهم‌تر، رسیدن زنان به استقلال حقوقی، به رغم سقوط سلسله ساسانی، هنوز در اذهان زنان نسل جدید جامعه زرتشتی باقی مانده و زنان حاضر به پذیرش ساختار سنتی و کهن پدرسالاری و تبعیت محض از فرامین کدخدای خانه نبودند. بنابراین نویسنده برای حفظ انسجام خانواده‌های زرتشتی در شرایط جدید جامعه، اطاعت زنان از شوهران و ترغیب به ازدواج‌های درون خانوادگی راهی برای تداوم حیات آیین زرتشتی دانسته و بر آن پافشاری نموده است. تاکنون پژوهش مستقلی درباره بررسی قوانین حقوقی مرتبط با زنان به استناد متن روایت پهلوی نوشته نشده است، لیکن این پژوهش به صورت مطالعه موردی و به روش توصیفی تحلیلی سعی در بررسی قوانین

حقوقی مرتبط با زنان زرتشتی در قرون نخستین هجری به استناد متن روایت پهلوی دارد و به ابعاد و بسترهای شناخت قوانین مرتبط با زنان در این متن پرداخته است.

ساختار قوانین حقوقی مرتبط با زنان در متن روایت پهلوی

در فرهنگ جامعه زرتشتی توجه به نهاد خانواده از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده از امور مهم زندگی اجتماعی دانسته شده است (دینکرد پنجم، ۱۳۸۸: ۵۴). و این مساله به طور محسوسی در تمامی متون پهلوی وجود دارد به طوری که مقوله ازدواج و فرزندآوری رکن اصلی اجتماع زرتشتیان بوده و ماهیتی قدسی و معنوی به ازدواج بخشیده است. نیز بنیاد ازدواج در دین زرتشتی بر مبنای تعقل و عشق قرار دارد (ووثوق بنایی، ۱۳۹۶: ۲۶). و یاری نمودن افراد برای تشکیل خانواده از ارزش والایی برخوردار بوده است (وندیداد، ۱۹۴۸: ۴۴). همچنین در اندرنامه‌های پهلوی از جمله اندرنامه آذرباد مهر اسپندان بر ازدواج و انتخاب همسر شایسته و حفظ نژاد و فرزندآوری تاکید زیادی شده است (متون پهلوی، ۱۳۷۱: ۱۰۵). و ازدواج دختران از تحصیل و یشت کردن (آموختن دین) نیکوتر و بهتر دانسته شده (روایت پهلوی، همان، ۲۳) و تشکیل خانواده مایه شادی و گشایش و رستگاری معرفی شده است (شایست نشایست، ۱۳۶۹: ۲۳۹). باید توجه داشت که در فرهنگ اجتماع ایرانی و زرتشتی نهاد خانواده حوادث و تحولات بسیاری را پشت سر نهاده و اشکال متفاوتی از ساختار خانواده در اسناد بر جای مانده قابل فهم بوده و در عین حال ساختار این نهاد کوچک در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. زیرا در گاهان زرتشت و در اوستای پساگاهانی احکامی در این باب نیامده و مردم در این زمینه تابع شرایط اجتماعی خویش در هر زمان و مکانی بوده اند (مزدآپور، همان، ۲۵۱-۲۵۰). این نکته را باید در نظر داشت که هر چند مقوله و ساختار ارتباطی میان اعضای خانواده در اوستا بیان نشده و به طور معمول متون مقدس دینی مفاهیم کلی را بیان می‌کنند اما این مساله به تفصیل در متون دینی متاخر زرتشتی و توسط دین مردان نامی و هیربدان بیان شده و شرایط و ضوابط اجتماعی از لابلای مطالب مندرج در متون پهلوی قابل تفحص است و بسیاری از مناسبات حقوقی در روابط خانوادگی از دیدگاه دین و به صورت یک کرفه (ثواب) دینی مطرح شده است به نظر می‌رسد که کلیت این احکام حقوقی در اعصار بسیار دورتر مورد استفاده قرار می‌گرفته است و اکنون که در معرض خطر فراموشی قرار گرفته‌اند بار دیگر بازنویسی و یا متناسب با شرایط و جو حاکم تغییراتی نیز در آنها حاصل شده است به این معنا که موبدان زرتشتی مطالبی را با توجه به

شرایط زمانه با استناد به تعالیم دینی بیان نموده و آن را به کتابت در آورده‌اند. زیرا قرون نخستین هجری از این نظر فضای خاصی بوده است به دلیل در معرض خطر فراموشی قرار گرفتن آیین زرتشتی. بنابراین اهتمام موبدان در پاسداشت اصول و قواعد خانوادگی و مکتوب نمودن آن راهی برای تجدید حیات آیین زرتشتی بود. روایت پهلوی شرحی نسبتاً شفاف از اوضاع اجتماعی زمان خویش را به طور غیر مستقیم و با توجه به فتوهای حقوقی در باب زنان بیان می‌دارد و الگوهای رفتاری زنان در قرون نخستین اسلامی را به چالش کشیده است و خانواده و استمرار آن را به عنوان یک پیکره نظام‌مند مورد توجه قرار داده است. زنان که قشر قابل توجهی از جمعیت زرتشتیان قرون نخستین هجری را تشکیل می‌دادند در چارچوب معطوف به زندگی خانوادگی در این متن مجال حضور یافته‌اند. می‌توان پنداشت که تا حد زیادی الگوها و فتوهای حقوقی در ارتباط با زنان زرتشتی در متن روایت پهلوی منبعث از محیط و فضای جامعه بوده است به عنوان نمونه عنوان شده مردی که ازدواج پادشاه زنی دارد به وادی پرهیزگاری قدم گذاشته است و هرآنچه از مال خویش برای زن و فرزندانش هزینه کند ثواب و تقوای وی را می‌رساند (روایت پهلوی، همان، ۵۳). ازدواج پادشازنی در واقع ازدواج نخستین دختر و پسر و با رضایت خانواده (پدر و برادر) است (مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۳: ۱۸۶). بنابراین بهترین سبک ازدواج در آیین زرتشتی ازدواج دختران با رضایت سرپرستان خویش که ممکن بود پدر یا برادر باشند بوده که در این نوع ازدواج امتیازاتی به زنان تعلق می‌گرفت از جمله اینکه این زنان می‌توانستند در امر تجارت با همسر خویش هم درآمد باشند (همان، ۲۸۸) تاکید و تشویقی که روایت پهلوی بر این نوع ازدواج دارد می‌تواند بیانگر این نکته باشد که در جامعه زرتشتی و در قرون نخستین اسلامی ازدواج‌هایی بدون رضایت سرپرستان قانونی و یا انواع دیگری از ازدواج با شرایط ضعیف‌تر از جمله ازدواج چگرنزی (ازدواج دوم) در سطح جامعه زرتشتی رواج داشته است. به نوعی می‌توان پنداشت که ازدواج پادشازنی در این عصر قداست اولیه خود را از دست داده و ازدواج‌ها و ارتباط‌های دیگری که ضمانتی برای فرزندآوری و استحکام خانواده نداشته در حال افزایش بوده است. در واقع متن روایت پهلوی آنجایی که در ارتباط با ازدواج و تشکیل خانواده مطالبی را بیان می‌کند نگاه و تاکیدش بر ازدواج پادشازنی است. زیرا این ازدواج در آیین زرتشتی دارای ارج و امتیاز بوده است (روایت امید اشوهیستان، ۱۳۷۶: ۳). و روابط مطلوب خانوادگی در چارچوب این نوع ازدواج قابل تحقق بوده است. نکته‌ای که در اینجا قابل تامل به نظر می‌رسد اینست که حدود اختیارات زنان پادشا در زندگی

زناشویی به استناد متن روایت پهلوی به چه میزان بوده است؟ در پاسخ به این سوال دقت در این بند از متن روایت پهلوی قابل تامل است:

>>۱- اینکه زن در برابر شوهر چگونه رفتار کند ۲- پادشازن هر روز سه بار با شوی گفتگو کند که تو را چه بایسته است تا <همان> بیندیشم بگویم و بکنم زیرا نمی دانم که هر چه باید بیندیشم بگویم و بکنم بگو تا آنچه تو را بایسته است اندیشم و گویم و کنم، هر چیز خوبی که شوهر گوید پس باید آن کند و از آزار و اذیت شوهر بپرهیزد ۳- اگر بدین آیین احترام شوی کند مجاز است که در یکسال دویست و ده درهم از مال شوهر <اگر> شوهر نگفته باشد که مده- بدهد و اگر یشت کرده باشد و زوتی و هاوانانی از او زاده شده باشد مجاز است که تا ششصد درهم بدهد و هر دو زن و شوهر را همانا ثواب باشد جز آن با دستوری (=اجازه) شوی دادن جایز است آنچه را که با اجازه نباشد بدهد دزد باشد آن را که با اجازه شوی بدهد همانا هر دو را (ثواب) باشد.....>> (روایت پهلوی، همان، ۵۰).

هر چند بند به صراحت به تبعیت زن از شوهر فرمان داده و وی را موظف نموده که برای استمرار و تثبیت زندگی خانوادگی همواره در پی تامین نیازها و رغبت همسر خویش باشد، اما این فتوا بدون هیچگونه ابهامی می تواند ناظر به زندگی اجتماعی و ساختار خانواده در زمان تالیف متن باشد و از سوی دیگر دال بر دستاوردهای حقوقی زنان در عصر ساسانی است که به طور سلسله وار این بینش حقوقی به سده های نخستین هجری رسیده و مجال بروز یافته است. برای روشن تر شدن مطلب رجعت به عصر ساسانی و بررسی دستاوردهای حقوقی زنان زرتشتی در آن عصر الزامی به نظر می رسد بدین معنا که با توجه به اخلاقی بودن آیین زرتشتی (ناس، ۱۳۸۵: ۴۵۶) و نگرش یکسان به زنان و مردان نیک (یسنا، بی تا: ۱۳۴) محدودیت و محصور بودن زنان در جامعه ایرانی مورد تردید قرار گرفت و زنان برای تحقق خواسته های خویش به تلاش های وافری دست زدند و توانستند با ورود به عرصه اجتماع به رقابت با مردان در امور مختلف بپردازند (سگالن، ۱۳۸۰: ۳۳۳). بدین سان بر مبنای احکام و قوانین فقهی حقوقی دوره ساسانی زن و مرد به طور یکسان در اداره امور منزل مشارکت نموده و زنان می توانستند امور منزل را با آزادی اداره نمایند (perikhanian, 1997: 68). بنابراین زن مزدایی با مساعدت فقها و قضات نسل جدید عصر ساسانی (نیمه دوم قرن ششم) همچون قاضی وای ایار که تمایلاتی آزادی خواهانه داشت به اعتباری ویژه دست یافتند و قانون در مقابل رویه کهن مردسالاری به نوعی به دفاع از زنان پرداخت و به آنان جرات داد که به میل خویش زندگی کنند (مظاهری، ۱۳۷۷: ۲۲۲-۲۲۱). بدین سان در اواخر شاهنشاهی ساسانی زنان در شرف رسیدن به استقلال

بودند (کریستنسن، ۱۳۹۴: ۳۲۸). مطالعه دقیق و بررسی دستاوردهای حقوقی زنان عصر ساسانی و امتداد این بینش در سده‌های نخستین اسلامی، علی‌رغم تغییر و تحولات نشأت گرفته از گرایش زرتشتیان به دین اسلام و بحران‌های عمیق اجتماعی، بیانگر این نکته اساسی است که این دستاوردهای حقوقی فراموش نشدند. بلکه این عناصر فرهنگی زنجیره‌وار در اذهان باقی مانده و اکنون دیگر زنان حاضر به پذیرش رویه کهن پدرسالاری و بازگشت و تبعیت محض از شوهران نبودند و قدرت و سلطه‌جویی مردان را در چارچوب نظام خانواده نمی‌پذیرفتند و ایجاد آرامش خانواده را در سایه تشریک مساعی زن و مرد که دستاورد ارزشمند حقوقی اواخر دوره ساسانی بود را مدنظر داشته و محصور بودن در محیط خانه و اطاعت را نمی‌پذیرفتند. به این معنا که هر چند در قرون نخستین هجری بطور رسمی قوانین پشتیبان حقوق زنان وجود نداشت اما خاطره بهره‌مندیهای حقوقی زنان در محاکم قضایی عصر ساسانی همچنان باقی بود و زنان نمی‌پذیرفتند به قوانین سخت و کهن پدرسالاری گردن نهند. در واقع برخورداری‌های حقوقی زنان عصر ساسانی، زنان زرتشتی را در تبعیت از مردان به تردید واداشت و دیگر زنان حاضر به فرمانبری نبودند. بنابراین نویسنده متن روایت پهلوی با شناخت دقیق از شرایط اجتماعی روزگار خویش و برای ملزم نمودن زنان به تبعیت از شوهران و حفظ انسجام خانواده‌های زرتشتی در شرایط جدید جامعه، با لحنی نسبتاً تند و هشدارگونه در قالب فتوای دینی وظایفی را به زنان یادآوری نموده است. از جمله اینکه همواره مطیع شوهر باشند و اگر زن، دختر و پسری به دنیا آورده باشد این امتیاز را دارد که در صورت رضایت همسر از اموال وی خرج کرده و به افراد نیازمند کمک نماید. اما اگر تابع شوهر خویش نباشد، در زمینه مساعدت به نیازمندان که در آیین زرتشتی بسیار به آن سفارش شده نیز زن محق نیست و برای رسیدن به این ثواب و امتیاز همواره باید در پی جلب رضایت و خشنودی همسر خویش باشد. می‌توان پنداشت که انتقال مفاهیم حقوقی و مقوله آزادی زنان عصر ساسانی به سده‌های اولیه هجری، تناقضات و تضادهایی را در خانواده موجب شده و موبدان و متولیان امور دین زرتشتی را برای حل این چالش‌ها و مدیریت بحران‌های خانوادگی و اجتماعی توجه به نیازهای نوین خانواده‌های زرتشتی به عرصه کشانده است که هدف عمده موبدان حفظ صیانت دین زرتشتی و تلاش برای استحکام و حفاظت از خانواده‌های زرتشتی و تداوم نسل آنان بود. زیرا مشکلات خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، مستقیماً به عرصه اجتماع وارد شده و عدم تعادل اجتماعی می‌تواند در نتیجه نارسایی‌ها و کاستی‌های موجود در خانواده باشد. این فتوای بحث‌انگیز در مورد زنان، شرایط را صریح‌تر بیان می‌کند.

>>۱- مرد بر پادشازن فرمانرواست، هر گونه که در مورد کار خویش فرماید باید که بکند <اگر مردان زنان را به سبب نافرمانی داغ کنند بدان زمان جایز است ۲- اگر به همسر فرماید که جامه‌ای کند و او نیم جامه کند و بدو آموزد که <کار> خوب کند و او بد کند ، و بدو گوید که کاری کند که درهمی ارزد و او آن کند که میخی ارزد و اگر بدو فرماید که یزش کند و او نکند از این چندی که گفتم اگر یکی را نکند پس به عنوان نافرمان او را داغ کند تمام خواسته ای که شوهر به زن داده است از زن باز ستانند یه شوهر بازگردد و او را (=زن را) هیچ خواسته نباشد <اگر> شوهر او مرد پس او را از خواسته شوهر هیچ بهری نباشد ... >> (روایت پهلوی، همان، ۴۶).

ساختار کلی این بند دیدگاهی ابتدایی و سنتی را نسبت به زنان بیان می‌کند به طوری که مردان عملاً به عنوان صاحب اختیار زنان در امور زندگی خانوادگی معرفی شده و بر آنان سلطه یافته و مجاز بودند هر گونه تنبیهی را در صورت تمرد زنان در موارد یاد شده همچون عدم رعایت پوشش، نسبت به آنان اعمال کنند و نافرمانی و عدم پذیرش فرمان کدخدای خانه، محرومیت از هدیه و اموالی که در طول زندگی زناشویی از طرف شوهر به زن داده شده را به دنبال داشته است. شواهد حاکی از آنست که بن مردسالاری به طرز عمیقی در متن روایت پهلوی و با توجه به فضای قرن سوم هجری و در معرض خطر نسبان قرار گرفتن نسل و آیین زرتشتی از لابلای فتوهای دینی انعکاس یافته است. بطوری که پس از مرگ نیز روان زنانی که سخنان شوهر را گوش نمی‌دهند به گفته سروش پاک و ایزد آذر در اندوه و تاریکی ست و روان آنان در بدترین حالت و به صورت واژگون و خارپشت مانند به صورتی که آهن با خار از تن آنان روییده مشاهده شده است. (ارداویراف نامه، ۱۳۹۱: ۶۳-۴۴). اساساً در متون پهلوی متاخر امور معنوی و انجام کارهای نیک به مردان پارسا نسبت داده شده است (دینکرد پنجم، همان، ۱۰۰). نیز انرژی‌های خوب و روشنائی قدسی از طریق مردان به زنان انتقال می‌یافته است (وزیدگیهای زادسپرم، ۱۳۸۵: ۱۰۱). به این معنا که مردان محور خانواده و حضور آنان متضمن برقراری مناسبات محکم خانوادگی و اجتماعی در امور مادی و معنوی پنداشته شده است. اما نگاهی ژرف به احکام صادره در کتاب روایت پهلوی نمایانگر این نکته است که هنوز دستاوردهای حقوقی زنان عصر ساسانی به استناد کتاب ماتیکان هزار دادستان که مهمترین متن حقوقی و قضایی دوره ساسانی ست (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۴۲-۴۱). فراموش نشده بود زیرا در صورت فراموشی، عدم فرمانبرداری زنان اتفاق نمی‌افتاد که نویسنده چنین با قاطعیت در مورد نافرمانی زنان حکم دینی صادر نموده و آن را مذموم شمرده و محکوم نماید. در واقع نوعی آشوب و اضطراب خانوادگی و اجتماعی با استنباط از

متن روایت پهلوی دیده می‌شود زیرا بخشی از فرهنگ بومی زرتشتی در حال تلفیق با ادیان جدید همچون اسلام در معرض خطر و آسیب قرار گرفته و اندیشه آرمان‌گرای زرتشتی در حال کمرنگ شدن بوده است. تا جایی که برگشتن از دین زرتشتی و گرایش به دین اسلام در وضعیت اجتماعی و حقوقی زنان تاثیرگذار بوده و اگر فردی از خانواده زن مانند برادر به دین جدیدی مانند اسلام متمایل می‌شد و برادر دیگر نیز بدون برجای نهادن زن و فرزند فوت کرده بود زن امتیاز پادشاهی را در خانواده شوهر از دست می‌داد (روایت امید اشوهیستان، همان، ۵-۳) به اینصورت که فرزندان متولد شده از زن می‌بایست به نامگاه برادر متوفی درآیند. زیرا برادر دیگر عملاً از آیین زرتشتی خارج شده و وجودش برای خانواده زرتشتی به لحاظ حفظ نسل بی‌اثر است. بدین سان نیازهای اجتماعی جامعه زرتشتی به طور مستقیم بر شرایط و برخورداری یا عدم برخورداری حقوقی زنان تاثیرگذار بوده و سرنوشتی جدید را برای آنان رقم می‌زده است. در عین حال کسب امتیازات حقوقی بی‌سابقه زنان در اواخر دوره ساسانی فراموش نشده اما با شرایط جدید جامعه زرتشتی همخوانی نداشت. زیرا دین زرتشتی حامی اصلی خویش یعنی حکومت را از دست داده بود و در فرآیند جدید جامعه، این دستاوردهای حقوقی کارایی چندانی نداشت. موبدان به دنبال راه‌حلی برای نجات آیین زرتشتی خواهان تبعیت محض زنان از شوهران بودند. به طوری که در مساله ازدواج دختران، مادران حق نداشتند به میل خویش دختران را شوهر دهند (روایت آذر فرنیخ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۶) یعنی زنان مجاز نبودند به میل خود دختران را به همسری فردی درآورند و این تصمیم توسط پدران و مردان گرفته می‌شده است. در واقع نوعی کنترل نامحسوس زنان نیز لابلای این فتوهای حقوقی دیده می‌شود و سالاری مردان در مسایل حقوقی و اجتماعی ارجحیت داشته است. می‌توان پنداشت که لحن آمرانه متن روایت پهلوی در خصوص زنان و الزام آنان به اطاعت از شوهران خویش، انعکاس وضعیت رفتاری زنان در اجتماع قرون نخستین هجری است که نه تنها تمایلی به اطاعت از شوهران نداشتند بلکه بنظر می‌رسد بخشی از زنان در اجتماع آن روزگار به فرامین شوهران واقعی نمی‌نهادند. بنابراین نویسنده متن در تلاش بوده تا تکالیفی را در قبال شوهران به زنان متذکر شود.

رسم خویدوده و تاثیر آن بر شرایط حقوقی زنان در متن روایت پهلوی

تحقیق و تکاپو در متون پهلوی، خویدوده و ازدواج درون خانوادگی را از قداستی ویژه برخوردار ساخته است و بن مایه‌ای برای تداوم نسل و حیات دین زرتشتی معرفی شده است. برخی معتقدند ازدواج درون خانوادگی در آیین زرتشتی در شرایط خاصی مانند دور بودن از اجتماعات بشری و نبود زن دیگر در زندگی مردان و در صورتی که ترس از بین رفتن نژاد و نسل فرد وجود داشته مجاز بوده است (بیرونی، ۱۳۹۰: ۲۵۸). به زعم نظریه‌های متفاوت مطرح شده توسط پژوهندگان و فارغ از نگرش‌های متفاوت در مورد ازدواج‌های درون خانوادگی و خویدوده که در این بحث نمی‌گنجد، آنچه مسلم است متون پهلوی به ویژه متن روایت پهلوی اهتمام فراوانی در پاسداشت این رسم داشته و بسامان رسیدن اجتماع و حفظ نژاد را در سایه چنین ازدواجی محقق می‌دانند. اردشیر بابکان موسس سلسله ساسانی نیز ازدواج با نزدیکان را ضامن حفظ و بقاء نژاد دانسته است (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۴۳). و برای توجیه هر عملی همواره اصل و نژاد مورد توجه بوده به ویژه فرمانروایان از این مساله بسیار استفاده می‌نمودند (دینکرد چهارم، ۱۳۹۳: ۷۴). اهتمام ویژه روایت پهلوی به ازدواج خویدوده را می‌توان معلول شرایط اجتماعی و خانوادگی قرون نخستین اسلامی دانست. زیرا به نظر می‌رسد تمایلی به این سبک ازدواجی در محدوده زمانی ذکر شده در جامعه ایرانی زرتشتی وجود نداشته است. در متن دینکرد پنجم در قبال افرادی که برای انجام خویدوده مجادله کرده و آن را نمی‌پذیرند جلب رضایت آنان با آوردن دلایل منطقی به عنوان راه حل عنوان شده است. زیرا این نوع ازدواج فره بزرگ و نیکی را به وجود می‌آورد (دینکرد پنجم، همان، ۶۰). در متن روایت پهلوی نیز به طور مکرر به ازدواج خویدوده پرداخته شده و ضرورت حفظ خانواده زرتشتی در گرو ازدواج خویدوده دانسته شده است و از زبان زرتشت به هر رمز در باب ازدواج خویدوده چنین آمده است که: به چشم من رواج خویدوده دشوار است و هر مزد در پاسخ می‌گوید چون خویدوده از هر کاری برتر است به خویدوده و رواج آن کوشا باش (روایت پهلوی، همان، ۱۰). زیرا بهترین کرفه (ثواب) مردمان خویدوده است (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: ۱۹۹). به نظر می‌رسد روبرو شدن با واقعیت‌های اجتماعی همچون عدول از موازین دینی مطرح شده در باب ازدواج خویدوده و در اقلیت قرار گرفتن خانواده‌های زرتشتی و ترس از متروک شدن دین زرتشتی متولیان امور دینی همچون هیبردان را به عکس‌العمل و کوشش برای حفظ موجودیت و قوام آیین زرتشت واداشت چنانکه در متن روایت پهلوی در ترغیب به این نوع ازدواج چنین آمده است:

>> ۱- این نیز که خویدوده چنان شگفت انگیز است که گران‌ترین (=سخت‌ترین) گناه، مانند جادوگری، را که گناه مرگ ارزان است، <سبب> نجات از دوزخ است و دوری از دوزخ و دوری از اهریمن و دیوان، بدان زمان باشد که چون <کسی> جادوگری کردن آموخت گناه مرگ ارزان کرد و اگر خویدوده کند آن گناه از دوزخ، زندان اهریمن و دیوان نجات یافته <و> دور <باشد> (روایت پهلوی، همان، ۵). بدین ترتیب ازدواج با نزدیکان گناهان بزرگ و مرگ ارزان را از بین برده و عامل رهایی از دوزخ می‌باشد و به میزانی که نسبت خانوادگی در ازدواج خویدوده نزدیک‌تر باشد مانند خواهر و یا مادر بودن ثواب آن بیشتر است (همان، ۷-۶). تحلیل جامعه‌شناسانه متن می‌تواند گویای این فرض نیز باشد که در صورت ازدواج‌های درون خانوادگی کنترل زنان و تسلط بر آنان و پایبند نمودن آنان به قواعد خانوادگی آسان‌تر بوده است به این معنا که زیر لوای چنین ازدواج‌هایی امکان تمرد زنان از فرامین کدخدای خانه کمتر اتفاق می‌افتاده است. از این دیدگاه ازدواج خویدوده این حسن را خواهد داشت که معمولاً زنان خودی همواره در جهت رضایت شوهر حرکت نموده و در کمبودها و مشکلات زندگی دم بر نمی‌آورند اما زنان بیگانه هر اندازه بیشتر در ناز و نعمت باشند به همان میزان از شوهران خویش سرپیچی نموده و گاهی کار را به دادگاه دادوران می‌کشانند و اگر در کمترین موردی خواسته آنان برآورده نشود سخنان ناروا می‌گویند (دینکرد سوم، ۱۳۸۴: ۱۴۸-۱۴۳). بنابراین خویدوده را می‌توان راهی برای حفظ مناسبات خانوادگی و هنجارهای حقوقی خانواده‌های زرتشتی دانست چه در اینصورت به دلیل نسبت‌های نزدیک خانوادگی، سالاری مردان قابل پذیرش‌تر بوده و ساختار پدرسالارانه کهن ایرانی محفوظ‌تر می‌مانده است و زنان به نوعی خود را ملزم به اطاعت از شوهران می‌دانسته‌اند و در دشواری‌های زمانه پایبندی و پایداری بیشتری نسبت به خانواده داشته‌اند. ارزش و اعتباری که تحریر روایت پهلوی برای ازدواج خویدوده بیان نموده درخور تامل است. این روایت در واقع محور انسجام خانوادگی را ازدواج خویدوده دانسته و برای آن ثوابی سترگ برشمرده است به طوری که از زبان هرمزد گفته شده از بسیار اندیشه‌ها، گفتارها و کردارهای نیک، بهترین و برترین آنست که خویدوده کنید. زیرا هزاران دیو و پری و جادو بر اثر این ازدواج نابود می‌شوند همچنین فقر و قحطی جامعه بر اثر امتناع از خویدوده و ازدواج‌های درون خانوادگی ست (روایت پهلوی، همان، ۱۰-۵). بدین ترتیب سست شدن پیوندهای خانوادگی را می‌توان دلیل موجهی برای توصیه‌هایی در باب زنده نگه داشتن این آیین دانست که در متن کرارا به آن اشاره شده و موجودیت خانواده منشعب از این سبک ازدواج

معرفی شده است و نویسنده در قالب توصیه‌های دینی برای احیاء این رسم با هدف نجات آیین و نژاد خانواده‌های زرتشتی تلاش بسیار نموده است. تامل در فتوای زیر این نکته را به خوبی بیان می‌دارد:

>>۱- خویدوده چنان شگفت‌انگیز است که جایی پیداست که هرمزد به زرتشت گفت که این چهار چیز برترین است: هرمزد خدای را نیایش کردن، به آتش هیزم و بوی خوش وزوهر دادن، مرد پرهیزگار را خشنود کردن و کسی را که با مادر یا دختر یا با خواهر خویدوده کند ۲- و از آن همه آن بزرگتر و مهم‌ترین و برترین است که خویدوده کنند.... و همه دیوان به نیروی شگفت‌آور خویدوده نابود شوند<< (همان، ۹-۸).

بدین ترتیب در پرتو این تفکر ازدواج خویدوده در ردیف پرستش هرمزد عنوان شده است می‌توان پنداشت که ارزش‌های جامعه زرتشتی در مبحث زنان و ازدواج در حال رنگ باختن بوده است و تنوع و تغییرات و درهم آمیختگی عقاید و سنت‌های خانوادگی سبب شده که هیربدان زرتشتی همچون نویسنده متن روایت پهلوی اعتباری گسترده به ازدواج خویدوده ببخشند. بر مبنای شواهد و آگاهی‌های قابل استنتاج از متن، ازدواج‌های درون خانوادگی امکان تسلط بیشتر بر خانواده و زنان را فراهم نموده و آنان را در چارچوب نهاد خانواده و به دور از هیاهوی تغییرات حقوقی از دید باورمندان به آیین زرتشتی در سده‌های نخستین هجری محفوظ نگه می‌داشته است. روی هم رفته وضعیت حقوقی زنان در متن روایت پهلوی ارتباط مستقیم با شرایط اجتماعی و سیاسی آن عصر (زمان تالیف متن) دارد و زنان نسل جدید جامعه زرتشتی یادمان‌های حقوقی عصر ساسانی و اختیارات زنان آن دوره را فراموش نکرده و حاضر به تبعیت محض از سالار خانواده نبودند. به همین مناسبت نویسنده در صدد انطباق فتوای دینی با شرایط اجتماعی آن روزگار نکاتی را در قالب واژه‌هایی تند به زنان متذکر شده است.

نتیجه

به استناد شواهد و آگاهی‌های مندرج در متون پهلوی اهمیت و قداست نهاد خانواده از سنت‌های کهن زرتشتیان بوده است. قوانین حقوقی زنان در جامعه ایرانی زرتشتی همواره در ارتباط مستقیم با نهاد خانواده و اعضای آن قابل تعریف بوده است. در متن روایت پهلوی که از متون مهم زرتشتی برجای مانده از قرن سوم هجری ست قواعد رفتاری زنان در چارچوب بنیان خانواده و تبعیت محض از شوهر در قالب احکام فقهی و دینی بیان شده است و نویسنده متن خواستار اطاعت و فرمانبرداری زنان از همسران خویش شده است که می‌توان این مساله را بازتابی از شرایط خانواده‌های زرتشتی در قرون نخستین اسلامی دانست. زیرا این بازه زمانی به دلیل در معرض خطر فراموشی قرار گرفتن آیین زرتشتی و رویارویی با ادیان جدید همچون دین اسلام فضای خاصی را در جامعه ایجاد نمود بنابراین نویسنده متن روایت پهلوی پاسداشت اصول و قواعد خانوادگی و مکتوب نمودن آن از جمله تبعیت زنان از شوهران خویش را راهی برای تجدید آیین زرتشتی می‌دانسته است. بدین سان با قاطعیت زنان را ملزم به اطاعت از کدخدای خانه نموده که می‌تواند ناظر بر زندگی خانواده‌های زرتشتی و عملکرد رفتاری زنان در زمان تالیف متن باشد. به این معنا که دستاوردهای ارزنده حقوقی زنان عصر ساسانی زنجیره‌وار به سده‌های نخستین هجری رسیده و زنان دیگر حاضر به پذیرش نگرش‌های کهن و سنتی پدرسالاری همچون اطاعت محض از شوهر و محصور ماندن در محیط خانه نبودند. بنابراین نویسنده با شناخت دقیق از شرایط خانوادگی و اجتماعی زمان خویش، تبعیت از فرمان شوهر و اطاعت از وی را به زنان متذکر شده و عصبیان و تمرد در این مورد را دارای مجازاتی سخت همچون داغ نمودن دانسته است. از سوی دیگر تاکید و اهتمام فراوان بر ازدواج خویوده در متن روایت پهلوی از یکسو بیانگر این نکته است که تمایلی به این سبک ازدواجی در محدوده زمانی مذکور وجود نداشته است و از سوی دیگر واکاوی و بررسی فتواها و احکام صادره در این باب گویای این نکته است که از دیدگاه نویسنده متن، تسلط بر زنان و پایبند نمودن آنان به قوانین خانوادگی همچون اطاعت از شوهر، در این شیوه همسرگزینی به دلیل نزدیکی نسبت‌های خانوادگی و احترام و محبت موجود بین آنان آسان‌تر صورت می‌گرفته است. چنین است که متن به طور صریح خواهان حفظ انسجام و وحدت خانوادگی به شیوه سنتی و کهن پدرسالاری و حفظ آداب و رسوم دین زرتشتی شده است و برتری و محوریت مردان در خانواده و مطیع بودن زنان نسبت به شوهران را راهی برای تحقق این هدف می‌دانسته است که به نظر می‌رسد این موارد در بین خانواده‌های ایرانی زرتشتی در قرون نخستین هجری تضعیف شده و رو

به زوال بوده است به همین دلیل نویسنده با استفاده از احکام دینی وظایف و تکلیف زنان که همان تبعیت از شوهر در تمامی مواد است را به زنان یادآور شده است.

کتابنامه:

- ارداویراف نامه (۱۳۹۱)، ترجمه رحیم عقیقی، چاپ سوم، تهران: توس.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱)، **دانشنامه مزدیسنا**، چاپ اول، تهران: مرکز.
- بیرونی، محمد ابن احمد (۱۳۹۰)، **آثار الباقیه عن القرون الخالیه**، ترجمه عزیزالله علی‌زاده، تهران: فردوس.
- دینکرد پنجم** (۱۳۸۸)، آوانویسی، ترجمه، تعلیقات، واژه نامه، متن پهلوی، ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ دوم، تهران: معین.
- دینکرد چهارم** (۱۳۹۳)، آوانویسی، ترجمه، واژه‌نامه، مریم رضایی، زیر نظر سعید عربان، چاپ اول، تهران: علمی.
- دینکرد هفتم** (۱۳۸۹)، تدوین کنندگان پیشین آذرفرنبغ پسر فرخزاد، آذرباد پسر امید، تصحیح متن، آوانویسی، نگارش فارسی واژه نامه‌ها و یادداشت‌ها از محمد تقی راشد محصل، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۱۹۹.
- دینکرد سوم** (۱۳۸۴)، متنی به زبان پهلوی، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه بر اساس دینکرد چاپ مدن، تهران: انتشارات مهرآیین.
- روایت امید آتوهیشتان** (۱۳۷۶)، تدوین آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی نزهت صفای اصفهانی، تهران: مرکز.
- روایت آذرفرنبغ فرخزادان** (۱۳۸۴)، ترجمه حسن رضایی باغ‌بیدی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- روایت پهلوی** (۱۳۶۷)، متنی به فارسی میانه، پهلوی ساسانی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سگالن، مارتین (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی تاریخی خانواده**، ترجمه حمید الیاسی، تهران: دنیای کتاب.
- شایست نشایست** (۱۳۶۹)، آوانویسی و ترجمه کتابیون مزداپور، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- شفلید، دنیل، آندرس تولدو، میگل آنخل (۱۳۹۸)، **راهنمای پژوهش‌های زردشتی**، ترجمه عسکر بهرامی، چاپ اول، تهران: فرهنگ معاصر.
- قادری، تیمور (۱۳۹۷)، **تاریخ ادبیات ایران کهن و ادبیات ایرانی میانه**، تهران: مهتاب.
- کریستنسن، آرتور (۱۳۹۴)، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، چاپ چهارم، تهران: نگاه.
- ماتسوخ، ماریا (۱۳۹۳)، **ادبیات پهلوی در (تاریخ ادبیات فارسی)**، به کوشش رونالد امریک، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه فارسی زیر نظر ژاله آموزگار، ج ۱۷، تهران: سخن.
- مادیان هزار دادستان: هزار رای حقوقی** (۱۳۹۳)، گردآورنده فرخ مرد بهرامان، مقدمه ترجمه و آوانوشت متن پهلوی سعید عربان، چاپ دوم، تهران: علمی.

متون پهلوی (۱۳۷۱)، گردآورنده جاماسب جی دستورمنوچهر جی جاماسب آسانا، گزارش سعید عریان، چاپ اول، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

مزدپور، کتایون (۱۳۹۴)، **ادیان و مذاهب در ایران باستان**، چاپ اول، تهران: سمت.
 مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴)، **مروج الذهب**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.

مظاهری، علی اکبر (۱۳۷۷)، **خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام**، ترجمه عبدالله توکل، تهران: قطره.
 ناس، جان بایر (۱۳۸۵)، **تاریخ جامع ادیان**، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ شانزدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
 وثوق بنایی، مژگان (۱۳۹۶)، **تحلیل جامعه‌شناختی حقوق زن در دوره ساسانی**، چاپ اول، تهران: پشتیبان.
 وزیدگی‌های زادسپرم (۱۳۸۵)، نگارش فارسی، آوانویسی و یادداشت‌ها از محمدتقی راشد محصل، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

وندیداد (۱۹۴۸)، ترجمه محمد علی داعی الاسلام، حیدرآباد دکن.

یسنا (بی تا)، تفسیر و تالیف ابراهیم پورداود، از نفقه پشوتن مارکر، ج ۱، بمبئی: انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ایران لیگ بمبئی.